



The Effect of Recovery on Reducing the Amount of Diya of Criminal Impairments in Jurisprudence and Islamic Penal Code of Iran; Gaps and Challenges

Saeed Nazari Tawakoli¹

Mohammad Jafar Sadeqpour²

Received: 08/07/2020 Accepted: 06/04/2021

Abstract

The legislator of the Islamic Republic of Iran has considered the recovery of some of the impairments that occur because of crimes against the physical integrity of individuals to reduce the diya for those impairments. This view is the result of referring to some religious texts and jurisprudential fatwas. By examining the jurisprudential sources and articles of the Islamic Penal Code, it is possible to find many gaps and challenges in the field of the effect of recovery on reducing the amount of diya. In addition to the monopoly of impairments to specific cases such as fractures and the limited cases of impact on a particular organ, one of the most important gaps is that no clear features and components are provided to explain the concept of recovery and recognition of its types from each other. This major gap and challenge also exists in the Islamic Penal Code and has become one of its weaknesses. Besides, the legislator's use of vague interpretations in this regard has caused the Islamic Penal Code to face major problems. In this paper, with the aim of amending the articles of the Islamic Penal Code, an attempt is made to explain the viewpoints of jurists and legislators in a descriptive-analytical method, as well as to explain the existing challenges in this regard and finally to offer suggestions to solve them.

Keywords

Criminal impairments, recovery, crime, bone fragments, diya, fracture.

-
1. Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Tehran. sntavakkoli@ut.ac.ir
 2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Shahrekord University, and Researcher, Office of Jurisprudential studies of Forensic Medicine (Corresponding Author). ja-far.samen.1367@gmail.com

* Nazari Tawakoli, s. & Sadeqpour, m.j. (2021). The Effect of Recovery on Reducing the Amount of Diya of Criminal Impairments in Jurisprudence and Islamic Penal Code of Iran; Gaps and Challenges. *Journal of Fiqh*, 28(105), pp. 93-121. Doi: 10.22081/jf.2021.58211.2083.

تأثیر بهبود بر کاهش میزان دیه آسیب‌های جنایی در فقه و قانون مجازات اسلامی ایران؛ خلأها و چالش‌ها

محمدجعفر صادق‌پور^۲

سعید نظری توکلی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸

چکیده

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران، بهبود یافتن برخی از آسیب‌هایی که در پی جنایت بر تمامیت جسمانی اشخاص پدید می‌آید را موجب کاهش دیه آن آسیب‌ها دانسته است. این نگره برآیند رجوع به برخی از نصوص شرعی و فتاوی فقهی است. با تأمل در منابع فقهی و مواد قانون مجازات اسلامی می‌توان دریافت خلأها و چالش‌های فراوانی در زمینه تأثیر بهبود بر کاهش میزان دیه وجود دارد. علاوه بر انحصار نوع آسیب‌ها به موارد خاصی همچون شکستگی و نیز محدود بودن موارد تأثیر به اندامی خاص، یکی از مهم‌ترین خلأها این است که هیچ شاخصه و مؤلفه روشنگری برای تبیین مفهوم بهبود و بازشناسی گونه‌های آن از یکدیگر ارائه نشده است. همین خلأ و چالش اساسی به قانون مجازات اسلامی نیز راه یافته و موجب سستی آن شده است. علاوه بر این، استفاده مقنن از تعابیر مبهم در این زمینه موجب شده است که قانون مجازات اسلامی با اشکالات اساسی روبرو شود. در این نوشتار تلاش می‌شود با هدف اصلاح مواد قانون مجازات اسلامی، با روشی توصیفی-تحلیلی، به تبیین موضع فقیهان و قانون‌گذار، و نیز تشریح چالش‌های موجود در این زمینه پرداخته شود و در پایان پیشنهادهایی جهت رفع آنها ارائه گردد.

کلیدواژه‌ها

آسیب جنایی، بهبود، جنایت، خردشدگی، دیه، شکستگی.

1. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران.

2. پژوهشگر دفتر مطالعات فقهی پزشکی قانونی و استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول).

jafar.samen.1367@gmail.com

*نظری توکلی، سعید؛ صادق‌پور، محمدجعفر. (۱۴۰۰). تأثیر بهبود بر کاهش میزان دیه آسیب‌های جنایی در فقه و قانون مجازات اسلامی ایران؛ خلأها و چالش‌ها. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۲۸(۱۰۵)، صص ۹۳-۱۲۱.

Doi:10.22081/jf.2021.58211.2083.



قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر گزاره‌های فقهی و فتاوی فقیهان امامیه است. تأثیرپذیری این قانون از فتاوی فقهی به گونه‌ای است که بسیاری از مواد آن در حقیقت ترجمانی منقح از کلام فقیهان محسوب می‌شود. این امر در خصوص مواد قانونی کتاب دیات (مواد ۴۴۸ تا ۷۲۸) برجستگی بیشتری دارد. یکی از مباحثی که به پیروی از فتاوی فقهی در کتاب دیات قانون مجازات اسلامی گنجانده شده، تأثیر بهبود آسیب جنایی بر میزان دیه است؛ بدین معنا که با بهبود یافتن برخی آسیب‌های خاص، میزان دیه‌ای که برای آنها در فرض عدم بهبود در نظر گرفته شده، کاسته می‌شود. این تأسیس فقهی که عمدتاً برآیند فراهایی از روایت ظریف بن ناصح (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، صص ۳۳۴-۳۴۰) است، در مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی بازتاب یافته است؛ لکن آنچه بازنایشی در این تأسیس را ضرورت می‌بخشد دو مسئله مختلف است: نخست ابهامات ناظر بر مبانی فقهی و گزاره‌های شرعی مستند این تأسیس، و دوم، چالش‌های ناظر بر قانون مجازات اسلامی در زمینه قانونی ساختن این گزاره‌ها. بر این اساس هم از حیث مبنایی می‌توان ملاحظاتی در خصوص تأثیر بهبود بر میزان دیه ملحوظ داشت و هم ابهامات و چالش‌هایی از حیث تقنینی در این زمینه وجود دارد. شگفتنا که جایگاه ویژه این موضوع موجب نشده تا پژوهش‌گران حوزه فقه و حقوق به صورت مستقل به واکاوی این مسئله بپردازند، و همین امر موجب بروز مشکلاتی در زمینه اجرایی ساختن مواد مربوطه شده است. البته علاوه بر اینکه در خصوص حدود و ثغور تأثیرگذاری بهبود بر میزان دیه در متون فقهی، نکات مهمی مورد تصریح قرار گرفته، برخی از پژوهش‌گران به شکل گذرا و بسیار کلی به وجود پاره‌ای از مشکلات در این زمینه اشاره کرده‌اند (بای، ۱۳۹۴، ص ۴۹؛ شاکر و ساریخانی، ۱۳۹۵، ص ۳۲۶)؛ لکن این تصریحات و اشارات در جهت تبیین زوایای چنین موضوع بااهمیتی بسیار ناکافی است. از این رو، در این نوشتار پس از گزارش موارد تأثیر بهبود بر میزان دیه، متکی به این گزارش‌ها به بیان چالش‌ها و خلأهای موجود در این زمینه پرداخته می‌شود تا برای رفع این چالش‌ها به صورت موردی و مستقل چاره‌ای اندیشیده شود.



۱. موارد تأثیر بهبود بر میزان دیه در فقه و قانون مجازات اسلامی^۱

در فقه امامیه و به تبع در قانون مجازات اسلامی ایران، تحقق بهبود به دو صورت کلی تصویر شده است: نخست وضعیتی که عضو آسیب دیده به طور کامل و بدون هیچ عیب و نقصی سلامتی خود را باز یابد، و حالت دوم آن است که عضو آسیب دیده همراه با عیب و نقص بهبود یابد (ابن سعید حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۱۹؛ خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۰۲). این دو وضعیت که می توان تحت عنوان «بهبود کامل» و «بهبود ناقص» از آنها یاد کرد (ر.ک: ماده ۶۰۱ق.م.ا)، می توانند مبنای طبقه بندی موارد تأثیر بهبود قرار گیرند. از همین رو، در ادامه در دو محور کلی به بررسی موارد تأثیر بهبود پرداخته خواهد شد:

۱-۱. تعیین میزان کسری دیه در فرض بهبود کامل و ناقص

اعضایی که میزان کسر دیه آنها در فتاوی فقها، در دو فرض بهبود کامل و ناقص مشخص شده، پنج عضو است که در برخی از موارد آنها حالت بهبود ناقص عضو با حالت عدم بهبود در میزان دیه، حکم یکسان دارند. با این وجود چون میزان دیه در دو فرض فوق مورد تصریح قرار گرفته، به قرار زیر قابل بررسی هستند:

۱-۱-۱. شکستگی ستون فقرات (Verebral Column)

در روایت ظریف برای شکستگی ستون فقرات، در دو فرض بهبود کامل و ناقص، به قرار زیر دیه تعیین شده است:

فَإِنْ انْكَسَرَ الصُّلْبُ فَجَبِرَ عَلَى غَيْرِ عَثْمٍ وَلَا عَيْبٍ فَدَيْتُهُ مِائَةٌ دِينَارٍ وَإِنْ عَثِمَ فَدَيْتُهُ أَلْفٌ دِينَارٍ؛ اگر ستون فقرات بشکند و بدون خمیدگی و عیب بهبود یابد، دیه آن یکصد دینار [یک دهم دیه کامل] است و در صورتی که دچار خمیدگی شود، دیه آن هزار دینار [دیه کامل] است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۰۵).

۱. لازم به ذکر است که در فقه و قانون، مجازات آسیب هایی وجود دارد که بهبود آنها موجب کاسته شدن دیه آنها می شود؛ لکن از آنجا که این کاهش در قالب «ارش» صورت گرفته، تحت موضوع این نوشتار نمی گنجد و به آنها پرداخته نخواهد شد.





فقیهان امامیه نیز بر مبنای این روایت، برای شکستگی ستون فقرات تعیین دیه کرده‌اند (ابن سعید حلّی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۱۹؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۰۲) و قانون‌گذار نیز در بند «الف» و «ت» ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی، به تبعیت از فقها در خصوص دیه ستون فقرات این گونه مقرر می‌دارد:

دیه شکستن ستون فقرات به ترتیب ذیل است:

الف. شکستن ستون فقرات در صورتی که اصلاً درمان نشود و یا بعد از علاج به صورت خمیده درآید، موجب دیه کامل است.

...

ت. شکستن ستون فقرات که بدون عیب درمان شود، موجب یک‌دهم دیه کامل است.

در ماده فوق تعبیر «بعد از علاج به صورت خمیده درآید» در حقیقت عبارتة اخرای بهبود همراه عیب یا همان بهبود ناقص است که ملحق به «اصلاً درمان نشدن» گشته و در نتیجه برای آن دیه کامل در نظر گرفته شده است.

۱-۱-۲. شکستگی ترقوه (Celvicle)

در نظر اغلب فقیهان امامیه، دیه ترقوه در فرض بهبود ناقص آن همانند فرض عدم بهبود، نصف دیه کامل است. در عین حال، فقیهان جملگی معتقدند در صورتی که این عضو بهبود کامل یابد، چهل دینار برای آن ثابت است (موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۸۶). منشأ اختلاف فوق این است که در روایت ظریف تنها برای فرض بهبود کامل دیه تعیین شده است و اساساً بهبود ناقص ترقوه مورد توجه قرار نگرفته است: «فِي التَّرْقُوتِ إِذَا انْكَسَرَتْ فَجَبْرَتْ عَلَى غَيْرِ عَثْمٍ وَلَا عَيْبٍ أُرْبَعُونَ دِينَارًا؛ دیه ترقوه در صورتی که بدون کژی و عیب بهبود یابد، چهل دینار است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۳۰۰).

ماده ۶۵۶ ق.م.ا نیز به تبعیت از قول مشهور فقها، برای فرض بهبود کامل هر یک از استخوان‌های ترقوه، چهار درصد دیه کامل و برای فرض بهبود ناقص یا عدم بهبود آنها، نصف دیه کامل در نظر گرفته است.

۱-۳. شکستگی استخوان ران (Femur)

در روایت ظریف برای استخوان ران به ترتیب زیر دیه تعیین شده است:

فِي الْفَخْذِ إِذَا كُسِرَتْ فَجَبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَتَمٍ وَلَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجُلِ مِائَتًا دِينَارٍ فَإِنْ عَتَمَتْ فَلِدِيَّتِهَا ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ وَثَلَاثُونَ دِينَاراً وَثُلُثُ دِينَارٍ وَذَلِكَ ثُلُثُ دِيَةِ النَّفْسِ؛ هر گاه استخوان ران بشکند و بدون کژی و عیب بهبود یابد، یک پنجم دیه پا، یعنی ۲۰۰ دینار دیه دارد و در صورت کژی، دیه آن ۳۳۳ دینار و یک سوم دینار، یعنی یک سوم دیه نفس است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۹؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۸).

برخی فقها نیز بر اساس همین روایت، میزان دیه استخوان ران را در فرض بهبود کامل و ناقص مشخص کرده‌اند (ابن سعید حلّی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۲۰؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۱۸؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۲۹؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۳۰۵). شایان ذکر است که میزان دیه تعیین شده، مربوط به هر دو استخوان ران است و نه فقط یکی از آنها.

۱-۴. شکستگی استخوان ساق (The Leg)

ساق پا شامل دو استخوان است: تیبیا (Tibia) یا درشت‌نی، و فیبولا (Fibula) یا نازک‌نی (درک، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۹). بر مبنای روایت ظریف هر گاه استخوان ساق پس از شکستن بدون عیب بهبود یابد، یک پنجم دیه دو پا را دارا است و هر گاه با کژی بهبود یابد، یک سوم دیه نفس به آن تعلق می‌گیرد:

فِي السَّاقِ إِذَا كُسِرَتْ فَجَبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَتَمٍ وَلَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجُلِ مِائَتًا دِينَارٍ وَ... فَإِنْ عَتَمَ السَّاقُ فَلِدِيَّتِهَا ثُلُثُ دِيَةِ النَّفْسِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ وَثَلَاثُونَ دِينَاراً وَثُلُثُ دِينَارٍ؛ هر گاه استخوان ساق بشکند و بدون کژی و عیب بهبود یابد، یک پنجم دیه پا یعنی ۲۰۰ دینار دیه دارد و در صورت کژی، دیه آن ۳۳۳ دینار و یک سوم دینار یعنی یک سوم دیه نفس است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۰؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۹).

برخی از فقها بر اساس این روایت فتوا داده‌اند (کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۷؛ خویی، ۱۴۲۲ق،



فتاوی

ج ۴۲، ص ۴۲۰؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۳۸؛ فیاض کابلی، بی تا، ج ۳، ص ۴۲۲). شایان ذکر است که در این مورد نیز ملاک در تعیین دیه، هر دو ساق انسان است.

۱-۱-۵. کنده شدن ناخن (Unuis)

در برخی روایات برای کنده شدن ناخن به فرار زیر دیه تعیین شده است:
قَصَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي الطُّفْرِ إِذَا قُطِعَ وَلَمْ يَنْبُثْ أَوْ خَرَجَ أَشْوَدَ فَاسِدًا عَشْرَةَ دَنَانِيرَ فَإِنْ خَرَجَ أَتَيْضَ فَحَمْسَةُ دَنَانِيرَ؛ امام علی عليه السلام در خصوص ناخنی که قطع شده و دیگر نمی‌روید و یا سیاه و فاسد می‌روید (باعیب) به ده دینار حکم کرده و در صورتی که سفید بروید (بدون عیب)، به پنج دینار قضاوت نموده است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۴۹).

فقیهان امامیه نیز مطابق این روایت در خصوص جنایت بر ناخن فتوا داده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۵۸؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۸۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۲۱۶). در ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی نیز با بهره‌گیری از نصوص شرعی و فقهی فوق، برای فرض بهبود ناقص ناخن، یک درصد دیه کامل و برای فرض بهبود کامل آن نیم درصد دیه کامل در نظر گرفته شده است.

۱-۲-۲. تعیین میزان کسری دیه در فرض بهبود کامل

در کنار اعضای پنج‌گانه‌ای که از آنها نام برده شد، معدودی از اعضا مورد احصا قرار گرفته که کسر دیه آنها تنها در فرض بهبود کامل مطرح می‌شود و نسبت به فرض بهبود ناقص آنها سکوت اختیار شده است. این موارد عبارتند از:

۱-۲-۱. شکستگی، خردشدگی و دررفتگی استخوان‌های اعضای دارای دیه

بسیاری از فقیهان امامیه (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۸۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۲۴۸؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۸۷) با الغای خصوصیت از برخی فرازهای روایت ظریف (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۷۵-۹۲)، قاعده‌ای کلی اصطیاد کرده‌اند که می‌توان از آن تحت عنوان کلی «قاعده دیه آسیب‌های استخوانی» یاد کرد که در ضمن این قاعده برای بهبود کامل شکستگی،



خردشدگی و دررفتگی استخوان اعضایی که دیه مقدر دارند، کاهش دیه در نظر گرفته شده است. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از فقها این قاعده کلی را در قالب سه محور مختلف پذیرفته است؛ بدین بیان که علاوه بر فراز نخست ماده ۵۶۸، در بند اول ماده ۵۶۹، قاعده شکستگی را این گونه بیان کرده است: «دیه شکستن استخوان هر عضو یک‌پنجم دیه آن عضو، و اگر بدون عیب درمان شود، چهارپنجم دیه شکستن آن است.» همچنین در دومین بند همین ماده، قاعده خردشدگی را این گونه انعکاس داده است: «دیه خردشدن استخوان هر عضو یک‌سوم دیه آن عضو، و اگر بدون عیب درمان شود، چهارپنجم دیه خردشدن آن استخوان است.»

علاوه بر دو فراز فوق، در خصوص دررفتگی نیز قاعده‌ای به همین مناسبت وجود دارد که توسط فقها نیز مورد توجه قرار گرفته است (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۵۳)؛ لکن این قاعده مربوط به فرضی است که دررفتگی موجب شلل و از کارافتادگی عضو شود و سپس بهبود یابد. ماده ۵۷۰ در این رابطه مقرر می‌دارد: «دررفتگی استخوان از مفصل، در صورتی که موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو نگردد، موجب ارش، و در غیر این صورت موجب دوسوم دیه همان عضو و در صورت درمان بدون عیب، موجب چهارپنجم از دوسوم دیه آن عضو است.»

ناگفته پیداست که با پذیرش این قاعده، در تمامی شکستگی‌ها، خردشدگی‌ها و دررفتگی‌هایی که موجب شلل شود، تحقق بهبود کامل موجب کاهش دیه خواهد شد؛ مشروط به اینکه استخوان آسیب‌دیده مربوط به عضوی باشد که دیه مقدر دارد.

۱-۲-۲. شکستگی بازو (Humerus)

در روایت ظریف، برای شکستن استخوان بازو در صورتی که بهبود کامل یابد، به شرح زیر دیه تعیین شده است:

فِي الْعَصْدِ إِذَا انْكَسَرَتْ فَجَبُرَتْ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ وَلَا عَيْبٍ فَلِدِيَّتْهَا حُمْسُ دِيَةِ الْيَدِ

۱. ماده ۵۶۸: در شکستگی عضوی که دارای دیه مقدر است، چنانچه پس از جنایت به گونه‌ای اصلاح شود که هیچ عیب و نقصی در آن باقی نماند، چهاربیست و پنجم دیه آن عضو ثابت است.





مِائَةٌ دِينَارٍ؛ ديه بازو آن گاه که شکسته شود و بدون عيب و نقص بهبود يابد،
 يک پنجم ديه دست يعنى صد دينار است» (کليني، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۵؛ طوسی،
 ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۳۰۱).

برخی فقیهان امامیه نیز بر مبنای همین روایت، در فرض فوق یک پنجم ديه کامل
 تعیین کرده‌اند (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۰۸). در قانون مجازات اسلامی، حکم شکستگی
 بازو به طور مستقل نیامده، لذا مشمول ماده ۵۶۹ است.

۱-۲-۳. شکستگی آرنج (Elbow Joint)

در روایت ظریف وضعیت تعیین ديه در آرنج نیز همانند بازو است:

فِي الْمِرْوَقِ إِذَا كُسِرَ فَجَبِرَ عَلَى غَيْرِ عَتَمٍ وَلَا عَيْبٍ فَدِيَّتُهُ مِائَةٌ دِينَارٍ وَذَلِكَ خُمُسُ
 دِيَّةِ الْيَدِ؛ ديه آرنج هر گاه شکسته شود و بدون عيب و نقص بهبود يابد، صد
 دينار است که معادل يک پنجم ديه دست است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۴؛
 کليني، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۵).

برخی فقها نیز بر همین مبنای فتوا داده‌اند (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۱۰). این آسیب نیز
 مشمول ماده ۵۶۹ است.

۱-۲-۴. شکستگی ساعد (The Forearm)

در روایت ظریف، برای شکستگی همراه با بهبود کامل دو ساعد، يک سوم ديه کامل در
 نظر گرفته شده است:

«فِي السَّاعِدِ إِذَا كُسِرَ ثُمَّ جُبِرَ عَلَى غَيْرِ عَتَمٍ وَلَا عَيْبٍ فَدِيَّتُهُ ثَلَاثُ دِيَّةِ النَّفْسِ
 ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ وَثَلَاثُونَ دِينَاراً وَثَلَاثُ دِينَارٍ؛ ديه ساعد آن گاه که شکسته شود و
 بدون عيب و نقص بهبود يابد، ثلث ديه نفس، معادل ۳۳۳ دينار و يک سوم دينار
 است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۴؛ کليني، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۵).

فقها نیز بر همین مبنای شکستگی همراه با بهبود کامل هر يک از ساعدها را مستحق
 ثلث ديه دست دانسته‌اند (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۰۹؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۱۹؛ روحانی، ۱۴۱۲ق،
 ج ۲۶، ص ۳۰۲؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۵۷۲). این آسیب نیز مشمول ماده ۵۶۹ است.

۱-۲-۵. شکستگی استخوان نشیمن‌گاهی (Ischium)

دیه شکستگی استخوان نشیمن‌گاهی یا همان «ورک» در فرض بهبود کامل، یک پنجم دیه پا تعیین شده است:

فِي الْوُرْكِ إِذَا كَسِرَ فَجَبِرَ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ وَلَا عَيْبٍ حُمُسُ دِيَةِ الرَّجُلِ مِائَتًا دِينَارًا؛
برای استخوان ران آن‌گاه که شکسته شود و بدون عیب و نقص بهبود یابد،
یک پنجم دیه پا معادل دویست دینار ثابت است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۸؛
طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۳۰۴).

برخی از فقیهان امامیه به صراحت بر اساس این روایت فتوا داده‌اند (ابن حمزه طوسی،
۱۴۰۸ق، ص ۴۵۱؛ کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۷؛ خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۱۶؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۲۸؛
روحانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۱۶). این آسیب نیز مشمول ماده ۵۶۹ است.

۱-۲-۶. خردشدگی استخوان‌های میچ (Carpal)

در روایت ظریف برای کوبیدگی/خردشدگی میچ دست به قرار زیر تعیین دیه شده است:

دِيَةُ الرُّضْعِ إِذَا رُضَّ فَجَبِرَ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ وَلَا عَيْبٍ ثُلُثُ دِيَةِ الْيَدِ مِائَةٌ دِينَارٍ وَسِتَّةٌ
وَسِتُّونَ دِينَارًا وَتُلُثًا دِينَارًا؛ دیه میچ آن‌گاه که کوبیده/خرد شود و بدون عیب و
نقص بهبود یابد، ثلث دیه دست معادل ۶۶ دینار و دوسوم دینار است» (کلینی،
۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۰۱).

برخی از فقها نیز بر همین پایه فتوا داده‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۱۶؛ روحانی، ۱۴۱۲ق،
ج ۲۶، ص ۳۰۸). این آسیب نیز مشمول ماده ۵۶۹ است.

۱-۲-۷. شکستگی کف دست (Palm)

در خصوص دیه کف دست در فرض بهبود کامل، دو دیدگاه فقهی مختلف وجود دارد؛ در یکی از دیدگاه‌ها برای کف دست در صورت بهبود کامل چهل دینار دیه تعیین شده (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۲۶۴؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۲۳) و در دیگری صد دینار (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۳۰۳). این اختلاف، نتیجه وجود تعارض در دو فراز مختلف از



فقه



روایت ظریف است که در یکی چهل دینار به عنوان میزان دیه مشخص شده^۱ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۷) و در دیگری صد دینار^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۶). میزان دیه شکستگی در صورت بهبود کامل کف دست در قانون مجازات، به طور مستقل مشخص نشده است. ممکن است در بدو امر چنین تلقی شود که این آسیب نیز مشمول ماده ۵۶۹ است، اما به نظر نگارنده با توجه به ماده ۶۳۷ ق.م.ا که برای کف دست، ارش تعیین کرده است، به نظر می‌رسد این عضو از اعضای دارای دیه مقدر نیست تا مشمول ماده ۵۶۹ شود.

۱-۲-۸. شکستگی استخوان انگشت ابهام (pollex)

برخی ققیهان به تبعیت از روایت ظریف، برای فرض بهبود کامل شکستگی انگشت ابهام، یک پنجم دیه انگشت ابهام، یعنی ۳۳ دینار و یک سوم دینار دیه در نظر گرفته‌اند (روحانی، بی تا، ج ۳، ص ۴۱۴؛ همچنین: عاملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۴۳۵؛ خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۱۳). این دیدگاه برآمده از رجوع به روایت ظریف است:

دِيَهُ قَصَبَةِ الْإِبْهَامِ الَّتِي فِي الْكَفِّ تُجْبَرُ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ وَلَا عَيْبٍ حُمْسُ دِيَةِ الْإِبْهَامِ ثَلَاثَةٌ وَتَلَاثُونَ دِينَارًا وَتُلْتُ دِينَارٌ؛ دیه استخوان انگشت ابهام که در کف دست است، آن گاه که شکسته شود و بدون عیب و نقص بهبود یابد، یک پنجم دیه انگشت ابهام، معادل ۳۳ دینار و ثلث دینار است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۳۰۲).

این آسیب نیز مشمول ماده ۵۶۹ است.

۱-۲-۹. شکستگی بند محل رویش ناخن انگشت ابهام (Distal)

در روایت ظریف برای شکستگی همراه با بهبود کامل بند محل رویش انگشت ابهام، به قرار زیر دیه تعیین شده است:

۱. «فِي الْكَفِّ إِذَا كَسِرَتْ فَجَبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ وَلَا عَيْبٍ فَلَدِيَّتُهَا أَرْبَعُونَ دِينَارًا.»
۲. «فِي الْكَفِّ إِذَا كَسِرَتْ فَجَبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَظْمٍ وَلَا عَيْبٍ فَلَدِيَّتُهَا حُمْسُ دِيَةِ الْيَدِ وَإِنَّهُ دِينَارٌ.»

دِيَّةُ الْمَفْصِلِ الثَّانِي مِنْ أَعْلَى الْإِهَامِ إِنْ كُسِرَ فَجَبِرَ عَلَى غَيْرِ عَثْمٍ وَلَا عَيْبٍ سِنَّةٌ
عَشْرَ دِينَاراً وَتُلْتَأَ دِينَارٍ؛ ديه بند دوم از بالای انگشت ابهام هرگاه شکسته شود و
بدون عیب و نقص بهبود یابد، شانزده دینار و دوسوم دینار است» (کلینی، ۱۴۰۷ق،
ج ۷، ص ۳۳۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۳۰۲).

همین دیدگاه در برخی منابع فقهی نیز انعکاس یافته است (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۱۴؛
تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۲۶؛ فیاض کابلی، بی تا، ج ۳، ص ۴۲۰).
این آسیب نیز مشمول ماده ۵۶۹ است.

۱-۲-۱۰. شکستگی و خردشدگی زانو (Knee Joint)

در روایت ظریف برای شکستگی همراه با بهبود کامل زانو، به قرار زیر ديه تعیین شده است:
فِي الرُّكْبَةِ إِذَا كُسِرَتْ فَجَبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَثْمٍ وَلَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَّةِ الرَّجُلِ مَا تَنَا
دِينَارٍ؛ برای زانو آن گاه که شکسته شود و بدون عیب و نقص بهبود یابد،
یک پنجم ديه با معادل دو یست دینار ثابت است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۹؛
کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۹).

این روایت از سوی برخی فقها مورد عمل قرار گرفته است (کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۷؛
خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، صص ۴۱۸-۴۱۹؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، صص ۳۰۵-۳۰۶).

با این وجود جالب این است که در صورت خردشدگی زانو، تنها به فرض بهبود
ناقص آن توجه شده و در ادامه روایت فوق آمده است:

«إِنْ رُضِّتْ فَعَثِمَتْ فِيهَا تُلْتُ دِيَّةِ النَّفْسِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ وَثَلَاثُونَ دِينَاراً وَتُلْتُ
دِينَارٍ؛ ديه زانو هر گاه خرد/کوبیده شود و با عیب بهبود یابد، یک سوم ديه نفس
معادل ۳۳۳ دینار و یک سوم دینار است.» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۹؛ کلینی،
۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۹).

این فراز نیز مورد توجه برخی فقها قرار گرفته و بر مبنای آن فتوا داده‌اند (ابن سعید حلّی،
۱۳۹۴، ص ۱۵۰). این میزان ديه معادل با فرض فلج و شلل زانو است (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲،
ص ۴۱۹).

این دو آسیب نیز مشمول بند «الف» و «ب» ماده ۵۶۹ است.



۱-۲-۱۱. خردشدگی قوزک (Malleolus)

در روایت ظریف برای خردشدگی قوزک پا در فرض بهبود کامل، یک سوم دیه پا تعیین شده است:

فِي الْكَعْبِ إِذَا رُضَّ فُجِبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَنَمٍ وَلَا عَيْبٍ ثُلُثُ دِيَةِ الرَّجُلِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ وَثَلَاثُونَ دِينَارًا وَثُلُثُ دِينَارٍ؛ برای قوزک آن گاه که کوبیده/خرد شود و بدون عیب و نقص بهبود یابد، یک سوم دیه پا معادل ۳۳۳ دینار و یک سوم دینار ثابت است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۳۰۶).

میزان دیه فوق توسط برخی فقها مورد تصریح قرار گرفته است (کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۸؛ ابن سعید حلی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۱۹؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۳۲). این آسیب مشمول بند «ب» ماده ۵۶۹ است.

۱-۲-۱۲. شکستگی قدم (Metatarsals & Tarsal Bones)

در روایت ظریف برای القدم (پنجه پا از میچ به پایین) به قرار زیر تعیین دیه شده است:

فِي الْقَدَمِ إِذَا كُسِرَتْ فَجِبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عَنَمٍ وَلَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجُلِ مَا تَنَاءَ دِينَارٍ؛ برای پنجه پا آن گاه که شکسته شود و بدون عیب و نقص بهبود یابد، یک پنجم دیه پا معادل دویست دینار ثابت است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۹۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۳۰۶).

برخی از فقیهان امامیه نیز بر همین مبنا فتوا داده‌اند (کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۸؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۲۱؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۳۲؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۳۰۶). این آسیب نیز مشمول ماده ۵۶۹ است.

۱-۲-۱۳. شکستگی استخوان بینی (Nasal Bones)

بسیاری از فقیهان امامیه، بی آنکه نصی در این رابطه وجود داشته باشد، بر این باورند که اگر استخوان بینی بشکند و سپس بهبود کامل یابد، دیه آن صد دینار (یک دهم دیه کامل) است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۶۷؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۷۶؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۴۷؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۱۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۴۶؛ علامه حلی،



فهرست

۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۷۲؛ ابن شجاع حلی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۵۸۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۱۷۶). چه بسا این حکم نتیجه قیاس حکم شکستگی همراه با بهبود کامل بینی با شکستگی ستون فقرات باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۹۲). ماده ۵۹۳ ق.م.ا نیز متأثر از این دیدگاه مقرر می‌دارد:

شکستن استخوان بینی در صورتی که موجب فساد بینی و از بین رفتن آن شود، دیه کامل دارد و چنانچه بدون عیب و نقص اصلاح شود موجب یک‌دهم دیه کامل، و اگر با عیب و نقص بهبود پیدا کند، موجب ارش است. در کج شدن بینی یا شکستن استخوان بینی که منجر به فساد آن نشود، ارش ثابت می‌شود.»
نکته‌ای که باید در این رابطه مورد توجه قرار گیرد این است که همان‌گونه که در متن ماده نیز روشن گشته، شکستگی استخوان بینی در صورتی که بهبود ناقص یابد، موجب دیه کامل نیست و از این میزان کسر می‌شود، لکن از آنجا که میزان کسری در این فرض متناسب با میزان آسیب و نسبت بهبودی، در قالب ارش تعیین می‌شود، نمی‌توان آن را مصداق تعیین کسری دیه دانست.

۱-۲-۱۴. سوراخ شدن و پارگی بینی

در خصوص دیه نافذه بینی، صور مختلفی در روایت ظریف آمده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۱). همچنین در این رابطه میان فقها اختلاف وجود دارد. فارغ از این اختلافات، در بسیاری از منابع به صورت کلی و اجمالی برای جنایتی که موجب سوراخ شدن بینی شود، یک سوم دیه بینی و در صورتی که بهبود کامل یابد، یک پنجم (محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۴؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۰۷) یا یک‌دهم (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۳۷) دیه در نظر گرفته شده است. چه بسا یک پنجم دیه در فرض سوراخ شدن دو طرف بینی و یک‌دهم دیه در فرض سوراخ شدن یک طرف بینی ثابت باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۴۲). در ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی نیز سوراخ شدن بینی به دو شکل مختلف تصویر شده است:

الف. اگر هر دو طرف بینی سوراخ شود، در صورتی که باعث از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، اگر بهبود حاصل نشود، یک سوم دیه کامل ثابت است، اما اگر بهبود



کامل تحقق یابد، یک پنجم دیه کامل پرداخت می شود (ماده ۵۹۶ ق.م.ا).
 ب. اگر تنها یک طرف بینی سوراخ شود، در صورت عدم بهبود، دونهم دیه کامل و در صورت بهبود کامل، یک پانزدهم دیه کامل ثابت می شود (ماده ۵۹۷ ق.م.ا).
 در کنار سوراخ شدن بینی، پارگی بینی نیز از جمله آسیب‌هایی است که در فرض بهبود کامل آن، میزانی از دیه تعلق گرفته کسر می شود. ماده ۵۹۸ در این رابطه مقرر می دارد: «دیه پاره کردن بینی در صورتی که سبب از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، یک سوم دیه کامل، و اگر بهبود یابد یک دهم دیه کامل است.»
 جالب این است که در این ماده میان پارگی یک طرف بینی یا دو طرف آن تفصیلی داده نشده و قانون‌گذار ترجیح داده که این آسیب را به صورت کلی موجب ترتب دیه فوق‌الذکر بداند.

۱-۲-۱۵. شکافتن لب

وفق دیدگاه فقها (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۴۶۲) و متکی به روایت ظریف (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، صص ۸۱-۸۲)، اگر لب شکافته شود به گونه‌ای که دندان‌ها نمایان شوند، یک سوم دیه آن لب ثابت خواهد بود و در صورتی که بهبود یابد، یک پنجم دیه آن لب باید پرداخت شود. در قانون مجازات اسلامی، شکافتن لب‌ها نیز موجب ترتب دیه دانسته شده که در صورت بهبود کامل، میزانی از دیه تعیین شده کسر می شود. در ماده ۶۱۰ این قانون برای لپی که شکافته، یک ششم دیه کامل و برای لب شکافته شده‌ای که بهبود یافته، یک دهم دیه کامل در نظر گرفته شده است:

شکافتن هر دو لب به نحوی که باعث نمایان شدن دندان‌ها شود، یک سوم دیه کامل، و در صورت بهبودی بدون عیب، یک پنجم دیه کامل دارد. شکافتن یک لب موجب یک ششم دیه کامل و در صورت بهبودی بدون عیب، موجب یک دهم دیه کامل است.

با توجه به تعیین یک ششم دیه برای شکافتن هر لب که بیشتر از میزانی است که برای فرض بهبود یافته آن ثابت است، قاعدتاً بایستی میزان مذکور برای فرض بهبود نیافته تقریر یافته باشد.

۲. خلأها و چالش‌های تأثیر بهبود بر میزان ديه

تأثيرگذاري بهبود بر ميزان ديه در نظام حقوقی اسلام و به‌خصوص آن‌گاه که در عرصه عمل اجرائی می‌شود، دارای خلأها و چالش‌هایی است که در ادامه مورد توجه قرار می‌گیرد:

۲-۱. محدود و محصور بودن موارد تأثیر

جز شکافتن و پاره‌شدن لب، نافذه بینی و همچنین کنده‌شدن ناخن، تقریباً تمامی آسیب‌هایی که تحقق بهبود موجب کاهش ديه آنها می‌شود، مربوط به جنایت بر استخوان می‌شوند. جالب این است که از میان جنایات وارده بر استخوان، جز خردشدگی مچ، زانو و قوزک، تمامی آسیب‌هایی که بر استخوان‌ها وارد می‌شود و بهبودیافتگی آنها موجب کسر ديه می‌شود از نوع شکستگی است. بر این پایه، نقل اصلی تأثیر بهبود بر میزان ديه مربوط به شکستگی استخوان‌ها است. این در حالی است که آسیب‌های دیگری همچون از بین رفتن عضو، اعم از قطع و فساد، زوال منافع و جراحات، از جمله آسیب‌هایی هستند که در بستر جامعه به‌وفور رخ می‌دهند و در عین حال فقه امامیه و به تبع آن قانون مجازات اسلامی، تحقق بهبود را در کاهش ديه آنها مؤثر ندانسته است. بالاتر اینکه امروزه گاه برخی از این آسیب‌ها با سهولت بیشتری درمان شده و بهبود می‌یابند؛ چنان که زوال حس و حرکت (فلج) گرچه در گذشته به‌سختی بهبود می‌یافت، امروزه در مواردی با پیوند اعصاب قطع شده به‌راحتی بهبودپذیر شده است (غفاری و همکاران، ۱۳۸۳، صص ۴۶-۴۹). از همین رو، نخستین پرسش قابل طرح در این زمینه این است که تا چه میزان امکانات و ظرفیت‌های عصر تشریح در گستره موارد تأثیر بهبود مؤثر بوده است؟ آیا امروزه که امکان بهبود بسیاری از آسیب‌ها فراهم آمده، نمی‌توان این گستره را توسعه داد و موارد تأثیر را بسط داد؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش نیازمند مجال دیگری است و از همین رو نگارندگان در پژوهشی دیگر به‌طور مبسوط به این پرسش پاسخ داده‌اند، اما عجالتاً باید پذیرفت که این ناهمگونی و ناسازواری در موارد تأثیر، به‌خصوص در حوزه تقنین، توجیه‌پذیر



نیست و با تفصیل میان آسیب‌ها بایستی گستره موارد تأثیر را فراتر از موارد مصرّح دانست.

۲-۲. عدم انضباط منطقی در توسعه موارد بهبود

گرچه فقها در آثار خود هیچ‌گاه به چالش محدود و محصور بودن موارد تأثیر بهبود توجه نکرده‌اند و این مسئله را امری طبیعی دانسته‌اند که در پی رجوع به نصوص حاصل آمده، لکن جالب این است که در مواردی ظاهراً خود اقدام به توسعه حکم کاهش دیه به موارد غیر مصرّح کرده‌اند. توضیح بیشتر اینکه برخی از فقیهان امامیه، در دو موضع، از روایات تأثیر بهبود تعدی کرده و بهبود آسیب وارده بر اندام غیر مصرّح را نیز موجب کاهش دیه دانسته‌اند. این دو موضع - و در واقع دو عضو - عبارتند از ستون فقرات و بینی.

۲-۲-۱. ستون فقرات

گرچه گروهی از فقها بر این باورند که دیه ستون فقرات در صورت بهبود کامل، یک‌دهم دیه کامل است (ابن سعید حلّی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۱۹؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۰۲)، لکن بسیاری از فقیهان امامیه در این فرض یک‌سوم دیه کامل را ثابت می‌دانند (محقق حلّی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۵۱؛ علامه حلّی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۵۸۲؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۳۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۴۳۰؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۴۰۸). نظریه نخست (یک‌دهم دیه کامل) متکی به روایت ظریف است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۰۵)، اما نظریه دوم (ثلث دیه کامل) که نظریه مشهور و یا اشهر فقیهان امامیه محسوب می‌شود (عاملی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۳۵)، فاقد پشتوانه روایی است و چنان‌که برخی فقها (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۳۸۱؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۰۲) مطرح کرده‌اند، ظاهراً مبتنی بر تعمیم حکم لَحیه و ساعد به ستون فقرات است؛ زیرا همان‌گونه که وفق روایات، کندن لَحیه و قطع ساعدها دیه کامل دارد و بهبود کامل آنها دارای ثلث دیه کامل است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۱۶)، در ستون فقرات که شکستگی بدون درمانش دیه کامل دارد، بایستی بهبود کامل آن، میزان دیه را به ثلث دیه برساند.



فقه

۲-۲-۲. بینی

چنان که گذشت، بسیاری از فقیهان امامیه معتقدند که اگر استخوان بینی بشکند و سپس بهبود کامل یابد، دیه آن یک‌دهم دیه کامل (صد دینار) است. جالب این است که دیدگاه فوق هیچ‌گونه پشتوانه‌ای در جوامع روایی ندارد، بلکه با توجه به اینکه میزان دیه بینی و ستون فقرات، هر دو، در فرض عدم بهبود یکسان است، فقها چنین نتیجه گرفته‌اند که اگر این شکستگی بهبود یابد، همان‌گونه که در ستون فقران یک‌دهم دیه کامل ثابت می‌شود، در اینجا نیز یک‌دهم دیه کامل ثابت می‌شود. جالب‌تر اینکه چنین تعمیمی از سوی برخی از فقها به صراحت گزارش شده و در عین حال مخالفت با آن نوعی تردید بی‌مورد تلقی شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۹۲).

به‌هرروی، فارغ از صحت و سقم این تعمیم‌ها، با توجه به این دو مورد می‌توان پذیرفت که فقها لاقلاً به صورت موردی، توسعه حکم بهبود را جایز دانسته و خود مطابق آن فتوا داده‌اند، لکن این توسعه و تعمیم هیچ‌گونه انضباط منطقی ندارد و تنها در خصوص برخی اعضا و آسیب‌ها روا داشته شده است. لذا ضروری است این عدم انضباط به رویه‌ای استوار و منضبط تبدیل شود و نحوه تأثیر بهبود بر میزان دیه تمامی آسیب‌های جنایی، واکاوی و روشن شود.

۲-۳. چالش قاعده‌سازی

بسیاری از فقها جهت منضبط‌ساختن نحوه تأثیر بهبود بر میزان دیه آسیب‌های استخوانی، اقدام به قاعده‌سازی کرده و چنان که گذشت قواعد دیه شکستگی، خردشدگی و دررفتگی را تأسیس کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۸۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۲۴۸؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۸۷). علاوه بر اینکه این قاعده‌سازی با بخشی‌نگری و تمرکز بر تنها یک نوع آسیب سامان یافته و تأثیر بهبود بر دیه دیگر آسیب‌ها (غیر از آسیب استخوانی) کماکان مبتلا به عدم انضباط است، تأسیس همین قاعده نیز با چالش‌های جدی مواجه است؛ زیرا هیچ نص شرعی متضمن قاعده‌ای کلی در خصوص کاهش دیه در فرض بهبود شکستگی و خردشدگی -به‌نحوی که همه استخوان‌ها را در بر گیرد-



فقه



در دست نیست، بلکه با توجه به اینکه در روایت ظریف، بهبود شکستگی و خردشدگی استخوان‌های متعددی موجب کاهش دیه دانسته شده، این حکم به دیگر استخوان‌ها تعمیم داده شده و از آن قاعده‌ای کلی بر ساخته شده است. از همین رو، برخی فقیهان معاصر (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۰۰؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۱۲) با خرده گرفتن به این قاعده، به گستره آن پایبند نشده و معتقدند چگونگی تأثیر بهبود، دائرمدار حکمی است که در نصوص وارد شده، و لذا در خصوص استخوان‌هایی که نص خاص درباره آنها وارد شده است، همان حکم مصرح، و در استخوان‌هایی که حکمی درباره آنها بیان نشده، بهبود تنها می‌تواند در قالب ارش بر میزان دیه تأثیرگذار باشد و نمی‌توان از حکم برخی استخوان‌ها به قاعده‌ای کلی و شامل در این رابطه نائل آمد. این اختلاف نگرش موجب شده در خصوص بسیاری از آسیب‌های استخوانی که در بالا ذکر شد، موضع متفاوتی از سوی فقها اتخاذ شود؛ بدین ترتیب که مشهور فقها در زمینه دیه شکستگی ران [فخذ]، ساق، بازو، آرنج، ساعد، سر ران [ورک]، کف دست، بند انگشت ابهام، بند محل رویش انگشت ابهام، زانو، قدم، و همچنین خردشدگی استخوان زانو، مچ و قوزک، به فقرات مختلف روایت ظریف عمل نکنند و تعیین دیه آنها را به قاعده فوق‌الذکر حواله کنند. این در حالی است که وفق دیدگاه غیرمشهور که از فقیهان معاصر، مرحوم خویی و شاگردانش، و از گذشتگان، در مواردی ابن سعید حلی و کیدری آن را نمایندگی می‌کنند، در این آسیب‌ها به فقرات مختلف روایت ظریف عمل می‌شود (کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۸؛ ابن سعید حلی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۱۹؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۳۰۶). بر این پایه، طبیعی است که در بسیاری از موارد تأثیر بهبود همانند ساق، بازو، آرنج و... که در بالا ذکر شد، میزان دیه تعیین شده با قاعده کلی دیه شکستگی یا خردشدگی مطابقت نداشته باشد. به نظر می‌رسد شایسته‌تر این باشد که تأثیر بهبود بر میزان دیه آسیب‌های استخوانی به‌طور کلی پذیرفته شود، اما میزان کسری دیه تابع نظر کارشناسان باشد و با استفاده از نظر آنان در قالب ارش (نه دیه) تأثیرپذیری بهبود بر میزان دیه مقبول افتد.

البته می‌توان از فقرات متعدد روایت ظریف، قاعده دیگری به مثابه قاعده شکستگی اصطیاد نمود که نه با آنچه مشهور معتقدند هم‌خوانی دارند و نه با دیدگاه غیرمشهور؛ اما

در عین حال متکی به نصوص شرعی است. چنین دیدگاهی در نوشتاری مستقل تحت عنوان «قاعده‌ی دیه شکستگی: بازتاب فاصله‌ای میان مشهور و مأثور» در آینده نزدیک ارائه خواهد شد، ان شاءالله.

۲-۴. ابهام ناشی از تعدد اصطلاحات

ابهام ناشی از تعدد اصطلاحات، از جمله اشکالاتی است که مخصوص حوزه قانون‌نگاری است که بر اساس اصول اساسی تقنین، امری ناپسند و نکوهیده است؛ توضیح آنکه قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در بیان مفهوم بازیابی سلامت، از چهار اصطلاح مختلف استفاده کرده است. این چهار اصطلاح عبارتند از «بهبود» (مواد ۵۹۳، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۱۰ ق.م.ا)، «درمان» (مواد ۵۶۹، ۵۷۱، ۶۴۷، ۶۵۶ ق.م.ا)، «اصلاح» (مواد ۵۶۸ و ۵۹۳ ق.م.ا) و «علاج» (ماده ۶۴۷ ق.م.ا). قاعدتاً این تعدد اصطلاحات بایستی جهت‌دار باشد و از همین رو علی‌القاعده بایستی هر کدام از این تعابیر معنا و مفهومی غیر از تعبیر دیگر داشته باشند. این در حالی است که بی‌تردید قانون‌گذار در استفاده از این تعابیر مختلف قصد القاء مفهومی غیر از بازیابی سلامت نداشته و تمامی آنها را به صورت مترادف به کار برده است، اما حقیقت این است که به کارگیری این اصطلاحات متفاوت در قانون موجب شده تا مراجعان به متن قانون تصور کنند - به عنوان مثال - میان دو اصطلاح بهبود و درمان تفاوت مهمی وجود دارد که مقنن را بر آن داشته در یک ماده از اصطلاح نخست و در ماده‌ای دیگر از اصطلاح دوم استفاده کند. در عین حال، چون هیچ نشانه تفسیرگیری در این زمینه در متن قانون وجود ندارد، تمامی اصطلاحات فوق‌الذکر آن‌گاه که در کنار یکدیگر نگریسته می‌شوند، مترادف به نظر می‌آیند. همین تعدد اصطلاحات موجب شده قانون از این جهت دچار ابهام شود و در نتیجه شفافیت خود را از دست بدهد. این در حالی است که امروزه یکی از اصول بنیادین قانون‌نگاری، «اصل شفافیت» است که در صورت فقد آن، قانون وضع‌شده، صلاحیت و مشروعیت ایجاد محدودیت برای شهروندان را ندارد (See: K-H. W. V. Germany, 2001, Para 84-58; C.R. V. United Kingdom, 1995, Para 33). به نظر می‌رسد مقنن بایستی جهت رفع این چالش، در تمامی مواردی که در صدد بیان مفهوم بازیابی سلامت است، از یک تعبیر واحد استفاده



نماید. پیشنهاد ما این است که اصطلاح «بهبود» دارای مفهومی عام و همه‌جانبه است که می‌تواند در همه موارد بیان‌گر مفاد بازیابی سلامت باشد.

۲-۵. ابهام در مفهوم بهبود و ملاک تحقق آن

ابهامی که ناشی از تعدد اصطلاحات ناظر بر مفهوم بازیابی سلامت به وجود آمده است، طبعاً به مفهوم بهبود که با این تعابیر مختلف از آن یاد شده نیز راه می‌یابد. لکن آنچه موجب ابهام بیشتر این مفهوم اساسی شده، این است که در قانون مجازات اسلامی صرفاً به تحقق آن و حکم مترتب بر آن اشاره شده و اساساً معیار و ملاکی برای اینکه به‌مثکل، یک استخوان بهبودیافته تلقی شود، به دست داده نشده است. این در حالی است که اساساً مفهوم بهبود می‌تواند در نگرش پزشکان بسیار متفاوت از مفهوم آن در عرف عام مردم و حتی دانش فقه باشد. لذا گاه عضوی از حیث عرفی بهبودیافته تلقی می‌شود، در حالی که پزشکان آن را معیوب یا بهبودنیافته تلقی می‌کنند و یا اینکه عکس این موضوع اتفاق می‌افتد. به‌عنوان مثال، در نظر پزشکان قانونی، شکستگی استخوان‌های اندام تحتانی در صورتی که جوش بخورد، اما در حد دو سانتی‌متر کوتاه شود، به‌عنوان شکستگی همراه با بهبودی کامل گزارش می‌شود (عابدی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۳۵). به عبارت دیگر، چنین آسیبی هم بهبودیافته تلقی می‌شود و هم گونه آن بهبود کامل قلمداد می‌گردد. این در حالی است که ممکن است این کوتاهی، از حیث عرفی، به‌خصوص در برخی اعضا مصداق عیب باشد و در این فرض، بهبود با عیب تحقق یافته باشد و در نتیجه عضو شکسته‌شده در وضعیت بهبود ناقص قلمداد شود، نه آن‌گونه که پزشکان قانونی تصور می‌کنند که بهبود کامل یافته محسوب گردد. بر این در علم پزشکی بازیابی سلامت عضو شکسته‌شده به‌واسطه استفاده از ابزارهای ارتوپدی همانند پلاتین، بهبود کامل تلقی می‌شود، اما در نگاه فقهی که مبتنی بر نگرش عرف عام است، چه بسا اینچنین وضعیتی به‌هیچ‌وجه بهبود کامل برشمرده نشود. این تفاوت نگرش در حالی است که آنچه در خصوص تحدید و تبیین مفاهیم و اصطلاحات فقهی دارای اهمیت و موضوعیت است، همین نگرش عرف عام است و دقت‌های علمی و اظهارنظرهای مبتنی



فقه

بر عرف خاص تنها در مقام تشخیص این مفاهیم و اصطلاحات کارآمد است، نه در مقام تبیین و تفسیر آنها. همچنین برخی فقها معتقدند که بهبود با واسطه و -در حقیقت- معالجه عضو آسیب دیده توسط پزشک، بهبود شرعی قلمداد نمی شود تا موجب کسر دیه شود، بلکه بایستی عضو به طور طبیعی بهبود یافته باشد تا از میزان دیه آن کسر شود (موسوی اردبیلی، ۱۳۷۷، ص ۴۳۹). این در حالی است که این موضوع نه توسط فقیهان به طور مبسوط مورد بررسی قرار گرفته و نه قانون گذار به آن توجه نموده است.

باری، در مجموع بهبود به مثابه یک گزاره فقهی و شرعی که موجب کاهش دیه می شود، بایستی همراه با مؤلفه ها، ضابطه ها و حدود و ثغور مفهومی آن تبیین شود و در متن قانون منعکس شود تا به هیچ وجه این مفهوم با آنچه در علم پزشکی به عنوان درمان یا بهبود تلقی می شود کاملاً یکسان انگاشته نشود.

۲-۶. فقدان ضابطه مشخص در کسر دیه

چنان که گفته شد، آنچه مقنن در قانون مجازات اسلامی به عنوان موارد تأثیر بهبود بر میزان دیه مورد توجه قرار داده، برگرفته از آراء فقها است. همین امر موجب شده نسبت میزان کسر دیه در اعضا و اندام مختلف، سیال و متفاوت باشد و از قاعده و ضابطه ای مشخص تبعیت نکند. به عنوان مثال وفق ماده ۶۴۷ بهبود کامل ستون فقرات، میزان دیه را از دیه کامل به یک دهم دیه کامل کاهش می دهد، در حالی که مطابق ماده ۶۵۶، تحقق بهبود کامل در ترقوه، نصف دیه کامل در هر ترقوه را به میزان چهار درصد دیه کامل می کاهد. این ناهمگونی ها که در مواردی طبیعی و نتیجه تفاوت کارکرد اعضا به نظر می رسد، عمدتاً بر آیند مراجعه به نصوص شرعی است. با این اوصاف در صورتی که موارد تأثیر بهبود توسعه داده شود و «تأثیر بهبود بر میزان دیه» به مثابه گزاره ای عام پذیرفته شود، لزوماً بایستی ضابطه و ملاک مشخص و یا دست کم راهکاری کلی برای تعیین میزان کسری دیه تعیین شود. چه بسا در موارد غیر مصرح مراجعه به نظرات کارشناسان مربوطه و تعیین کسری دیه بر مبنای میزان بهبود تحقق یافته، بهترین راهکار برای ایجاد رویه واحد در تعیین میزان کاهش دیه باشد.



نتیجه گیری

الف. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد:

۱. جز سوراخ شدن و پارگی بینی، شکافتن لب‌ها و کنده شدن ناخن، تمام آسیب‌هایی که بهبود آنها، بنابر قانون، موجب کاسته شدن از دیه آنها می‌شود، از نوع آسیب استخوانی هستند. این در حالی است که آسیب‌های مختلفی در قانون مجازات اسلامی نام برده شده که می‌توان بهبود آنها را تصور نمود و بدین ترتیب از میزان دیه آنها کاست.

۲. فقها علیرغم اینکه در مواردی همچون ستون فقرات و بینی اقدام به توسعه حکم تأثیر بهبود کرده‌اند، اما هیچ‌گاه این مهم به عنوان یک دغدغه برای ایشان مطرح نبوده تا آن را به شکل مستقل و ضابطه‌مند بررسی کنند و به رویه و دیدگاهی جامع در این زمینه نائل آیند. لذا اقدام آنان در توسعه موارد بهبود، اساساً اقدامی گزینشی، بخشی‌نگرانه و موردی است.

۳. قانون‌گذار در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی برای اشاره به مفهوم بهبودی و باز یافتن سلامت، از واژه‌ها و اصطلاحات مختلفی استفاده کرده است. اقتضای کار بست اصطلاحات متعدد این است که مقنن در صدد القای مفاهیم مختلفی باشد، در حالی که هیچ نشانه لفظی و غیر لفظی مبنی بر این مقصود در قانون به کار گرفته نشده، بلکه نشانه‌هایی وجود دارد که این اصطلاحات جملگی به یک معنا به کار رفته‌اند.

۴. اقدام مشهور فقها و قانون‌گذار در ضابطه‌مند کردن نحوه کاهش دیه در آسیب‌های استخوانی موفق نبوده است؛ زیرا قاعده ارائه شده توسط آنان از حیث مبنایی قابل دفاع نیست و مبتلا به اشکال اساسی است.

۵. با وجود اینکه در قانون مجازات اسلامی تأثیر بهبود بر میزان دیه در مواردی به رسمیت شناخته شده و میان حالت بهبود ناقص و کامل آن تفاوت حکمی در نظر گرفته شده است، اما در عین حال قانون‌گذار هیچ تفسیری از مفهوم بهبودی و هیچ معیاری برای بازشناسی بهبود کامل و بهبود ناقص ارائه نکرده است.



فقه

ب. پیشنهادها

به نظر نویسندگان، اصلاح قانون مجازات اسلامی بر اساس پیشنهادهای زیر می‌تواند سبب کارآمدی این قانون در حل مشکلات ناظر به تعیین دیه برای بزه‌دیدگان شود:

۱. حذف واژه‌های متعدد و استفاده از یک واژه برای توضیح مفهوم «بازیابی سلامت آسیب‌دیدگان». این واژه می‌تواند اصطلاح «بهبود» باشد.

۲. تبیین مفهوم «بهبودی کامل» و «بهبودی ناقص»، و تعیین معیار برای جداسازی آنها از یکدیگر.

۳. توسعه تأثیر بهبود بر کاهش میزان دیه به آسیب‌های غیرمصرح مبتنی بر پژوهشی اصیل و معتبر.

۴. تعیین مرجعی قانونی برای بررسی میزان بهبودی بزه‌دیده و تعیین میزان کاهش دیه ناظر به آن در قالب ارش. این مرجع می‌تواند سازمان پزشکی قانونی باشد.



فهرست منابع

۱. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی. (۱۴۰۸ق). الوسيلة إلى نيل الفضيلة (چاپ اول). قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی حسینی. (۱۴۱۷ق). غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴. ابن سعید حلی، یحیی. (۱۳۹۴). نزهة الناظر فی الجمع بین الأشباه و النظائر (چاپ اول). قم: منشورات رضی.
۵. ابن سعید حلی، یحیی. (۱۴۰۵ق). الجامع للشرائع (چاپ اول). قم: مؤسسه سید الشهداء العلمية.
۶. ابن شجاع حلی، محمد. (۱۴۲۴ق). معالم الدين فی فقه آل یاسین (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۷. بای، حسینعلی. (۱۳۹۴). تأملی در قاعده ديه شکستگی استخوانها. حقوق اسلامی، ۱۲(۴۴)، صص ۳۱-۶۵.
۸. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۸ق). تنقیح مبانی الأحكام: کتاب الديات (چاپ اول). قم: دار الصدیقة الشهيدة علیها السلام.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. خویی، سید ابو القاسم موسوی. (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج (چاپ اول). قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۱۱. درک، ریچارد؛ وگل، وین؛ میچل، آدام. (۱۳۹۲). آناتومی گری برای دانشجویان (چاپ سوم، مترجم: غلامرضا حسنزاده و همکاران). تهران: انتشارات ابن سینا.
۱۲. روحانی قمی، سید صادق حسینی. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق علیه السلام (چاپ اول). قم: دار الکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
۱۳. روحانی قمی، سید صادق حسینی. (بی تا). منهاج الصالحین. بی جا: بی نا.
۱۴. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام (چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیت الله.



۱۵. شاکر، محمدحسین؛ ساریخانی، عادل. (۱۳۹۵). بررسی دیه شکستگی استخوان از منظر قانون و رویه سازمان پزشکی قانونی به همراه حل برخی مشکلات اجرایی. پزشکی قانونی، ۱۲(۴)، صص ۳۲۵-۳۳۱.

۱۶. شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۱۰ق). اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة (چاپ اول). بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیة.

۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی. (۱۴۱۲ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (حاشیه نویس: سلطان العلماء، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام (چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی (چاپ دوم). بیروت: دار الکتب العربی.

۲۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۲. عابدی، محمدحسن؛ مهدوی، امیرحسین؛ ناطقی فرد، فریبرز. (۱۳۸۴). ارش و دیه اندام فوقانی و تحتانی (چاپ اول). تهران: پیام عدالت.

۲۳. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی. (بی تا). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (چاپ اول). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۲۴. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام (چاپ اول). قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۲۰ق). تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

۲۶. غفاری، پرویز؛ فخری، محمود؛ برزگر، اکبر؛ غفاری، شایسته. (۱۳۸۳). نتایج ترمیم ۲۱ مورد قطع عصب اندام توسط اجسام تیز به روش اپی پری نوریل در بیمارستان های طالقانی و بیستون کرمانشاه (۱۳۸۰-۱۳۸۲)، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ۳، صص ۴۶-۴۹.





۲۷. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی. (۱۴۱۷ق). کشف الرموز فی شرح مختصر النافع (چاپ سوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۱۸ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة: الدیات (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۲۹. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. فیاض کابلی، محمد اسحاق. (بی تا). منهاج الصالحین (چاپ اول). بی جا: بی نا.
۳۱. کیدری، قطب الدین محمد بن حسین. (۱۴۱۶ق). إصباح الشيعة بمصباح الشريعة (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۲. مجلسی اول، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه (چاپ دوم). قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۳۳. محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام (چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۴. محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۱۸ق). المختصر النافع فی فقه الإمامية (چاپ ششم). قم: مؤسسه المطبوعات الدينية.
۳۵. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه. (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (چاپ اول). تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۳۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری. (۱۴۱۳ق). المقنعة (چاپ اول). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۳۷. موسوی اردبیلی، عبدالکریم. (۱۳۷۷). استفتاات. قم: انتشارات نجات.
۳۸. موسوی خمینی، سید روح الله. (بی تا). تحریر الوسيلة (چاپ اول). قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۳۹. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۰. وحید خراسانی، حسین. (۱۴۲۸ق). منهاج الصالحین (چاپ پنجم). قم، مدرسه امام باقر علیه السلام.
41. C.R. v. United Kingdom, European Court of Human Rights, 1995.
42. K-H. W. v. Germany, European Court of Human Rights, 2001.

References

1. Abedi, M. H., & Mahdavi, A. H., Nateqi fard, F. (1384 AP). *Arsh va Diya of the upper and lower organs*. (1st ed.). Tehran: Payame Edalat. [In Persian]
2. Allama Helli, H. (1413 AH). *Qava'ed al-Ahkam fi Ma'arifat al-Halal va al-Haram*. (1st ed.). Qom, Islamic Publications Office affiliated with the seminary teachers' association. [In Arabic]
3. Allama Helli, H. (1420 AH). *Tahrir al-Ahkam al-Shariyah ala Mazhab al-Imamiyah*. (1st ed.). Qom: Imam Sadegh Institute. [In Arabic]
4. Ameli, S. J. (n.d.). *Miftah al-Kiramat fi Sharh Qava'ed al-Allamah*. (1st ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
5. Bai, H. A. (1394 AP). An Examination of the rule of Diya for broken bones. *Journal of Islamic Law*, 12(44), pp. 31-65. [In Persian]
6. C.R. v. United Kingdom, European Court of Human Rights, 1995. [In Arabic]
7. Derek, Richard; Vogel, Wayne; Mitchell, Adam. (1392 AP). *Anatomy for Students* (3rd ed., Gh. Hassanzadeh et al. Trans.). Tehran: Ibn Sina Publications. [In Persian]
8. Fadhil Abi, H. (1417 AH). *Kashf al-Rumooz fi Sharh Mukhtasar al-Nafi'*. (3rd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
9. Fadhil Hindi, M. (1416 AH). *Kashf al-Latham va al-Ibham an Qava'ed al-Ahkam*. (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
10. Fayyaz Kabuli, M. I. (n.d.). *Minhaj Al-Saleheen*. (1st ed.).
11. Fazel Lankarani, M. (1418 AH). *Tafsil al-Shariah fi Sharh Tahrir al-Wasilah: Al-Diyaat*. (1st ed.). Qom: The jurisprudential center of the pure Imams. [In Arabic]
12. Ghaffari, P., & Fakhri, M., & Barzegar, A., & Ghaffari, Sh. (1383 AP). Results of repair of 21 cases of amputation of Organs by sharp objects by eperiperoper method in Taleghani and Biston hospitals of Kermanshah (2003-2001), *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences*, 3, pp. 46-49. [In Persian]
13. Hor Ameil, M. (1409 AH). *Wasa'il al-Shia*. (1st ed.). Qom: AlulBayt Institute. [In Arabic]



14. Ibn Hamzeh Tusi, M. (1408 AH). *Al-Wasilat ila Nil al-Fazilah*. (1st ed.). Qom: Ayatollah Marashi Library Publications. [In Arabic]
15. Ibn Idris Heli, M. (1410 AH). *Al-Sara'ir Al-Hawi le Tahrir al-Fatawa*. (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
16. Ibn Saeed Helli, Y. (1394 AP). *Nazha al-Nazir fi al-Jam'e Bayn al-Ashbah va al-Naza'er*. (1st ed.). Qom: Razi Publications. [In Persian]
17. Ibn Saeed Helli, Y. (1405 AH). *Al-Jame' al-Shara'e*. (1st ed.). Qom: Sayyid Al-Shuhada Al-Ilmiyah Institute. [In Arabic]
18. Ibn Shuja Helli, M. (1424 AH). *Ma'alim al-Din fi Fiqh Al-Yasin*. (1st ed.). Qom: Imam Sadegh Institute. [In Arabic]
19. Ibn Zohreh Halabi, H. (1417 AH). *Qanyiah al-Nozoo' ila Ilmi al-Usul va al-Forou'*. (1st ed.). Qom: Imam Sadegh Institute. [In Arabic]
20. Judiciary Press and Publishing Center. (1392 AP). *Islamic Penal Code adopted in 2013*. (1st ed.). Tehran: Judiciary Press and Publishing Center. [In Persian]
21. K-H. W. v. Germany, *European Court of Human Rights*, 2001.
22. Khoei, S. A. (1422 AH). *Mabani Takmilat al-Minhaj*. (1st ed.). Qom: Mu'asisat Ihya Athar al-Imam Al-Khoei. [In Arabic]
23. Kidari, Q. (1416 AH). *Isbah al-Shia be Misbah al-Shariah*. (1st ed.). Qom: Imam Sadegh Institute. [In Arabic]
24. Majlesi Awal, M. T. (1406 AH). *Rawzat al-Motaqin fi Sharh man la Yahzar al-Faqih*. (2nd ed.). Qom: Islamic Cultural Institute of Kushanbour. [In Arabic]
25. Mohaqeq Heli, J. (1408 AH). *Shara'e al-Islam fi Masa'il al-Halal va al-Haram*. (2nd ed.). Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
26. Mohaqeq Heli, J. (1418 AH). *Al-Mukhtasar al-Nafi' fi Fiqh al-Imamiyah*. (6th ed.). Qom: Mu'asisat al-Matbu'at al-Diniyah. [In Arabic]
27. Mousavi Ardebili, A. (1377 AP). *Istifta'at*. Qom: Nejat Publications. [In Persian]
28. Mousavi Khomeini, S. R. (n.d.). *Tahrir al-Wasila*. (1st ed.). Qom: Dar Al-Ilm Press Institute. [In Arabic]
29. Mufid, M. (1413 AH). *Al-Moqane'ah*. (1st ed.). Qom: Sheikh Mufid International Congress. [In Arabic]
30. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam*. (7th ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]



31. Rouhani Qomi, S. S. (1412 AH). *Fiqh al-Sadiq*. (1st ed.). Qom: Dar Al-Kitab - Imam Sadegh School. [In Arabic]
32. Rouhani Qomi, S. S. H. (n.d.). *Minhaj Al-Saleheen*.
33. Sabzewari, S. A. (1413 AH). *Mohazab al-Ahkam*. (4th ed.). Qom: Al-Manar Institute - Office of Hazrat Ayatollah. [In Arabic]
34. Saduq, M. (1413 AH). *Man la Yahzar al-Faqih*. (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
35. Shahid Awal, M. (1410 AH). *Al-Lom'at al-Dameshiyah fi Fiqh al-Imamiyah*. (1st ed.). Beirut: Dar Al-Torath - Al-Dar Al-Islamiya. [In Arabic]
36. Shahid Thani, Z. (1412 AH). *Al-Rawdah al-Bahiyya fi Sharh al-Lom'at al-Dameshiyah*. (Sultan al-Ulama, Ed., 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary Publications. [In Arabic]
37. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'e al-Islam*. (1st ed.). Qom: Mu'asisah al-Ma'arif al-Islamiyah. [In Arabic]
38. Shakir, M. H., & Sarikhani, A. (1395 AP). Evaluation of bone fracture blood money from the perspective of law and procedure of forensic medicine organization along with solving some executive problems. *Journal of Forensic Medicine*, 12(4), pp. 325-331. [In Persian]
39. Tabrizi, J. (1428 AH). *Tanqih Mabani al-Ahkam: Kitab al-Diyat*. (1st ed.). Qom: Dar al-Sadiqah al-Shahidah. [In Arabic]
40. Tusi, A. (1400 AH). *Al-Nahayah fi Mojarad al-Fiqh va al-Fatawa*. (2nd ed.). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]
41. Tusi, A. (1407 AH). *Al-Khalaf*. (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
42. Vahid Khorasani, H. (1428 AH). *Minhaj Al-Saleheen*. (15th ed.). Qom, Imam Baqir School.

